

پلنوم دوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با موفقیت برگزار شد.



پلنوم دوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

پلنوم دوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق به ریاست روزهای جمعه - شنبه - فاس محمود برگزار شد. یکشنبه بتاریخ ۱۶-۱۷-۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۴ (۷-۶-۸ مه ۲۰۰۵) با حضور اکثریت اعضای کمیته مرکزی و مشاورین و هیاتی از جانب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق به ریاست فاس محمود برگزار شد. پلنوم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت در گرامیداشت جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و رفیق کارگری - حکمتیست،

صفحه ۳

کمیونست ۳۹

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۴ - ۱۳ مه ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

سردبیر: اعظم کم گویان

انتخاب مردم: سرنگونی جمهوری اسلامی تحریم کافی نیست، اعتراض را سازمان دهیم



رحمان حسین زاده

r_hoseinzadeh@yahoo.com

باکاندید شدن رفسنجانی و شروع نام نویسی داوطلبین حضور در مضحکه "انتخابات" ریاست جمهوری، بازار گرمی سران جمهوری اسلامی ابعاد جدیدی به خود گرفته است.

میخواهند این شبهه را ایجاد کنند که بسیار اهل "انتخابند" گویا "انتخاب و انتخابات" از



محمود قزوینی

mkazvini@hotmail.com

پاره کردن اسناد و کتابهای موجود به اعضای هیات موسس سندیکای شرکت واحد حمله ور شده و آن ها را مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند. در

صفحه ۳

زور آزمایی جمهوری اسلامی و طبقه کارگر بر سر شکل مستقل کارگری

دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۴ برابر با ۹ مه ۲۰۰۵ حدود سیصد نفر از عوامل مزدور و چاقوکش خانه‌ی کارگر و شورای اسلامی کار در حضور نیروی انتظامی، با شکستن درب سندیکا، خرد کردن شیشه‌ها و

به مناسبت هفته منصور حکمت

منتخب آثار منصور حکمت منتشر میشود

دایره بسته میشود!

محتوای سیاسی بیانیه رفسنجانی

گفته اند، چنانکه به خود رژیم "نه" گفته اند. بیرون بیاورد. آمادگی انتخاب مردم نفی تمام و رفسنجانی برای بازگشت کمال رژیم است و راه آن به پستی که دو بار با قیام برای درهم کوبیدن و شکست و افتضاح از آن منحل کردن سرپای جمهوری اسلامی است. متن باید دید و سنجید. نفرت همگانی از رژیم رفسنجانی میگوید: من آنقدر بالاست که میتوانم برای نجات رژیم آمده ام!

همین مضحکه را برای رژیم به مهلکه بدل کند. رژیم با چنگ و دندان در تلاش نجات از مهلکه است؛ در عین حال ناگزیر است سر یکی از سرانش داد که بازسازی اقتصاد

صفحه ۴



فاتح شیخ

fateh_sh@yahoo.com

هیچ انتخاباتی با وجود جمهوری اسلامی معنی ندارد. این را مردم ایران، ولو به قیمت گران، عمیقاً درک کرده اند و به مضحکه "انتخابات" رئیس جمهوری "نه"

کمیونست ویژه کنگره سوم حزب کمونیست کارگری عراق بزودی منتشر می شود

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مناسبت آغاز به کار برنامه روزانه

مصاحبه با آذر مدرسی مدیر تلویزیون

پرتو در شمار آینده کمونیست



North America
Telstar 5
Freq: 12,090 MHz
Polarity: Horizontal
Sym Rate: 20000 ms
FEC:3/4

Iran & Europ
Telstar 12
Freq: 11,494.5 MHz
Polarity: Vertical
Sym Rate: 17,4687ms
FEC:3/4

آغاز برنامه های روزانه پرتو
15 مه

پرتو برنامه ای است از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پرتو، تلویزیونی چپ، رادیکال، آزادخواه و برابری طلب است برنامه های این تلویزیون را ببینید و دین آن را به همه دوستداران آزادی و برابری توصیه کنید.

برنامه های پرتو هر روز ساعت 8 تا 9 شب به وقت تهران (5:30 تا 6:30 بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی و 8:30 تا 9:30 صبح به وقت آمریکای غربی) از شبکه کانال یک پخش میشود.

این برنامه روز بعد مجدداً پخش میشود.

برنامه پرتو روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:
<http://www.hekmatist.com/parto/>

مناسبت "انتخابات" و رژیمشان را زیر سؤال تصویری از یک کشمکش برد. همان کاری را کرد که سیاسی است. جمهوری با معین و کروی کرد. اعتراض و مبارزه جمعی را علیه ستادهای انتخاباتی و پروپاگاندا ارتجاعی آنها ممکن سرکوب و تحمیق میخوانند بخشی از مردم را به پای صندوق رای بکشانند. برایشان مهم نیست به چه کسی و چه جوری رای میدهند. مهم است نشان دهند "هنوز مردم در صحنه اند".

در مقابل باید بتوانیم نشان دهیم که بر عکس مردم در مقابل آنها و معترضند. باید نشان دهیم مردم در صحنه ابراز تنفر و اعتراض و سرنگونی علیه جمهوری اسلامیند. این را تنها با تحریم و در خانه نشستن نمیتوان نشان داد. در یک تصویر فرضی اگر روز "انتخابات" جمهوری اسلامی توانسته باشد حداقلی از مردم را نشان دهد که پای صندوق رای هستند و علیرغم تحریم اقدام و تحرک اعتراضی ما مردم سرنگونی طلب وجود نداشته باشد. تصویر یکجانبه و غیر واقعی به جامعه و به دنیا مخابره خواهد شد. میتوانیم مانع قالب کردن چنین تصویری بشویم.

مناسبت "انتخابات" و روز "انتخابات" را به صحنه اعتراض تبدیل کنیم. در هر مناسبت و تجمع مرتجعین کاندید شده میتوان حضور داشت و آنها

سرنگون کردن جمهوری اسلامی باشد.

تحریم کافی نیست

در مضحکه "انتخابات" جمهوری اسلامی نباید شرکت کرد و این ساده ترین کاری است که وسیعاً و در ابعاد میلیونی مردم انجام خواهند داد. این را زنان و مردان و نسل جوان تشنه آزادی و رهایی و متنفر از اسلام و جمهوری اسلامی تضمین خواهند کرد. نه مردم به جمهوری اسلامی به روشنی خود را در نه به "انتخابات" خود را نشان خواهد داد. شرکت نکردن وسیع و میلیونی مردم و گسترش دامنه تحریم این مضحکه را سران جمهوری اسلامی هم بوبرده اند. بازار گرمیهای آنها عکس العملی به این حقیقت است. این را نه تنها از فضای اعتراضی مردم، بلکه از پیوستن به صف تحریم توسط جریانات راست و ملی و مذهبی و بعضاً خودبهبایی که تا همین دیروز و در انتخابات قبلی صحنه گردانان ماجرا بودند میتوان دریافت. در هر حال مضحکه "انتخابات" اسلامی لازمست وسیعاً تحریم شود اما برای ما، برای مردم آزادخواه و خواستار سرنگونی فوری جمهوری اسلامی کافی نیست.

روز "انتخابات" روز اعتراضات

کشتار و پایمال کردن اراده و انتخاب مردم خمینی و گله آخوند و حزب ا له حمایت کامل دول غربی و کشورهای امپریالیستی و نیروهای سیاسی "وطنی" امثال جبهه ملی و نهضت آزادی و حزب ملت و ضد امپریالیستهایی چون حزب توده و اکثریت را به همراه داشتند. در جمهوری اسلامی به معنای متعارف و بورژوازی کلمه هم هیچگاه انتخابات وجود نداشته است. در رژیمی که با چنین سابقه کشتار و جنایت خود را تحمیل کرده در راس آن سمبل ارتجاع به نام ولی فقیه با سرنوشت مردم بازی میکند. اپوزیسیون چپ و راست و تشکلهای سازمانهای کارگری و توده ای و مدنی نه تنها مجال فعالیت، بلکه سرکوب شده اند. صحبت از انتخابات شعبده بازی است. نمایش انتخاباتی اینها هر بار صحنه آرابی چندش آوری است که از میان "خودی ترین خودبهباشان" قرار است مرتجع و یا مرتجعینی سر از صندوق در آورند و ابزار اسارت مردم یعنی دولت جمهوری اسلامی را سرپا نگه دارند.

آن دوران گذشته است. ورق برگشته است. نه کشتار و جنایت و نه شعبده بازی و کارنوال "انتخابات" اسلامی نمیتواند جلو دار انتخاب واقعی مردم یعنی به میدان آمدن جنبش سرنگونی و

همان اوایل جزو خصیصه "نظامشان" بوده است. اما مردم دستشان را خوانده اند. ما نسل جوان و پر شور انقلاب ۵۷ یادمان است که جمهوری اسلامی گام به گام با سرکوب و کنار زدن انتخاب مردم یک ربع قرن خود را بر مردم تحمیل و خون مردم را در شیشه کرده است. انتخاب مردم و انقلاب ۵۷ رفاه و آزادی و سعادت بود، برقرار نظام سیاسی آزاد و برابر به جای استبداد و دیکتاتوری سلطنتی و غیر سلطنتی بود، تامین آزادیهای سیاسی و اجتماعی و مدنی و جدایی دین از دولت و دیگر مطالبات آزادخواهانه بود. همین سران مرتجع جمهوری اسلامی خمینی و خامنه ای و رفسنجانی و خاتمی و بنی صدر و منتظری و کروی و پاسدار - دموکراتهای دوم خردادی و خیل ریز و درشت آخوند و مرتجعین معمم و غیر معمم در راس مخوفترین ماشین کشتار و جنگ تاریخ معاصر ایران قرار گرفتند و یک نسل کشی به تمام معنا راه انداختند.

اسلامی حاصل پس زدن انتخاب و انتخابات مردم و حاصل شکنجه و کشتار و اعدام صدها هزار زن و مرد و پیر و جوان و حتی کودکان ایران است. در تحمیل یک ربع قرن رژیم اسلامی سراپا جنایت و

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید

بقیه از صفحه ۱

مشخصات سیاسی و اولویت‌ها
 ۳- اوضاع سیاسی ایران و نقش حزب ما
 ۴- اهمیت و جایگاه فعالیت حزب در کردستان و اهداف این دوره
 ۵- سازمان و آرایش رهبری حزب
 ۷- قرارها و قطعنامه‌های پیشنهادی
 ۸- انتخابات
 بعد از گزارش، فارس محمود رئیس هیئت حزب کمونیست کارگری عراق در مورد اهمیت رابطه تنگاتنگ هر دو حزب در

این دوره و فصل مشترک‌های تحولات سیاسی ایران و عراق سخنرانی کرد.
 پلنوم کلیه دستور جلسات خود، بجز قرارها و قطعنامه‌های پیشنهادی، را با مشارکت بسیار فعال اعضای کمیته مرکزی و مشاورین با موفقیت به سرانجام رساند و بر ضرورت ظاهر شدن حزب و رهبری آن به عنوان رهبران جامعه تاکید مجدد گذاشت. جامعه و تغییر جامعه به عنوان نقطه رجوع و نقطه عزیمت حزب حکمتیست محور همه مباحثات و طرح‌های

پراتیکی بوده است. در بخش مشخصات سیاسی و الویتها کوروش مدرسی بر اهمیت تحزب کمونیستی و تحکیم و گسترش سازمان حزب در تحرکات سیاسی و اجتماعی جامعه و سازمان دادن انقلاب کمونیستی تاکید کرد که مباحثات زنده و جالبی در این مورد صورت گرفت.
 این پلنوم پایانی بر یک دوره کوتاه در حیات کمونیسم کارگری که لطماتی به آن تحمیل شد، گذاشت. حزب حکمتیست به عنوان جریان تحزب یافته کمونیسم کارگری، مصمم تر از پیش خود را

آماده سازماندهی طبقه کارگر و جامعه برای برپایی انقلاب کمونیستی میبیند و پلنوم بر این تاکید گذاشت. با توجه به کمبود وقت بررسی قرارها و قطعنامه‌های پیشنهادی به دفتر سیاسی واگذار نمود. پلنوم در بخش انتخابات با توافق ارا کوروش مدرسی را بعنوان لیدر حزب و دفتر سیاسی ۱۹ نفره‌ای را با ترکیب زیر انتخاب نمود:
 مصطفی اسد پور، خالد حاج محمدی، رحمان حسین زاده، مجید حسینی، عبدالله دارابی، صالح سرداری، ثریا

شهابی، فاتح شیخ، ایرج فرزاد، محمود قزوینی، امان کفا، اعظم کم گویان، مظفر محمدی، آذر مدرسی، بهرام مدرسی، حسین مردابیگی، مهرنوش موسوی، اسد نودینیان و نسان نودینیان.
 پلنوم با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد. مشروح و مضمون مباحث پلنوم متعاقبا از طریق نشریات حزب منعکس خواهد شد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۴ - (۱۱ مه ۲۰۰۵)

از صفحه ۱

این یورش آقای منصور اسانلو در بیمارستان بستری می‌شود و پس از بخیه زبان و گردن جهت تعیین طول درمان به وی را به پزشکی قانونی و سپس به مقرر اطلاعات نیروی انتظامی برده میشود. مهاجمین که قبلا در مطبوعات رژیم دست به تهدید رهبران و فعالین و اعضای سندیکای تازه تاسیس شرکت واحد زده بودند، با یورش وحشیانه تهدیدات خود را عملی ساختند.

چاقوکشان و مزدوران خانه کارگر که چند سالی سعی کردند تا چاقو و چماق خود را پنهان و نقش خود را در سرکوب مستقیم کارگران از کارگران و مردم پنهان کنند، با اولین بارقه تشکل یابی کارگران با چماق و چاقو به فعالین و رهبران کارگری حمله ور شدند. چهره‌های اصلی و شناخته شده خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار در این حرکت شرکت داشتند.

این سیاست واقعی

جمهوری اسلامی در برخورد به تشکل یابی کارگران است. اما پیشروی مبارزه کارگران و مردم مانع از استفاده جمهوری اسلامی از این سیاست همیشگی می‌باشد. جمهوری اسلامی در چنبره مشکلات اقتصادی و فشارهای بین المللی و در محاصره مردم و کارگران معترض نمیتواند به این سیاست در سطح وسیع دست بزند. برای همین در نبرد بر سر سندیکای شرکت واحد جمهوری اسلامی بازنده است، حتی اگر بتواند موقتا تابلوی سندیکای شرکت واحد را پایین بکشد. این حمله اوباش خانه کارگر و شوراهای اسلامی موجبی شد تا طبقه کارگر را به عنوان مبارز پیشگام راه آزادی مردم ایران، به همه مردم بیشتر معرفی شود. جمهوری اسلامی ناتوان تر از آن است که به مقابله با این غول برخیزد. اگر نبرد جمهوری اسلامی با مردم بر محور نبرد جمهوری اسلامی با کارگران و کل طبقه کارگر متمرکز شود، نه تنها جمهوری اسلامی به سرعت دست را میبازد،

بلکه پیشروی چپ و کمونیسم بر مبنای این مبارزه صحنه سیاسی ایران را دگرگون خواهد کرد. جمهوری اسلامی نه میتواند و نه میخواهد وارد این نبرد شود. به این دلیل وجهه و وجهه‌های اوباش خانه کارگر و شوراهای اسلامی از قبل بی نتیجه است. خواست این اوباش مبنی بر اینکه رژیم با نیروهای سرکوبگر خود رسماً وارد نبرد با کارگران شود، که از زبان حسن صادقی بیان شده است راه به جایی نمیبرد و برآورده نمیشود. اگر هم برآورده شود کار حسن صادقی و رژیم را مشکل تر میسازد. رژیم جمهوری اسلامی در وحشت از تشکل یابی کارگران به این حمله دست زده است و خوب میداند که پا گرفتن یک تشکل مستقل کارگری کافی است تا جنبش تشکل یابی کارگران ایران در سطح سراسری به میدان آید. فقط پا گیری یک تشکل کارگری که بتواند با قدرت کارگران یک مطالبه صنفی کارگران همان محل و یا بخش را متحقق کند کافی است تا

طبقه کارگر ایران به سرعت به تشکل سراسری دست یابد. تمامی حملات و سخنان تهدید آمیز رهبران خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار بر علیه سندیکای شرکت واحد از اینجا سرچشمه میگیرد که رژیم جمهوری اسلامی در قامت سندیکای شرکت واحد، تشکل سراسری مستقل کارگری ایران را میبیند. میخ آخر را بر تابوت شوراهای اسلامی کار میبیند. رژیم جمهوری اسلامی میبیند که علیرغم همراهی برادران اطلاعاتی در خانه کارگر و شوراهای اسلامی با اعتراضات کارگران در اینجا و آنجا برای جا باز کردن میان کارگران و کنترل اعتراضات آنها، جایی در میان کارگران ندارند و کارگران با اولین حرکت برای تشکل یابی مستقل، به سرعت گرد آن تشکل حلقه میزنند.
 اگر رژیم جمهوری اسلامی امروز مقابله با تشکل یابی کارگران ایران را از کانال زورآزمایی با سندیکای کارگران شرکت واحد پیش میبرد، فعالین کارگری در

ایران و خارج و طبقه کارگر ایران باید با حمایت گسترده از سندیکای کارگران شرکت واحد، ضمن حفظ این سندیکا، تشکل یابی کارگران ایران را پیش ببرد. پایداری و گسترش سندیکای شرکت واحد در مقابل تعرض رژیم نقش مهمی در تشکل یابی کارگران ایران دارد. باید کارگران شرکت واحد، ک بخشهای دیگر و سازمانهای جهانی کارگری و حقوق بشری را در حمایت از سندیکای کارگران شرکت واحد بسیج کرد.

اعتراض فدراسیون جهانی اتحادیه‌های آزاد کارگری تازه آغاز یک کمپین وسیع جهانی است که باید در ایران و جهان ادامه یابد. اخراج شوراهای اسلامی و خانه کارگر از سازمان جهانی کار اولین خاکریزی است که باید این کمپین جهانی آن را فتح و از آن بگذرد.

پیروزی در نبرد آغاز شده برسر سندیکای شرکت واحد، یک گام بزرگ در راه کسب حق تشکل و تشکل یابی کارگران ایران است.



به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پیوندید!

منتشر میشود:

منتخب آثار منصور حکمت

در ۱۸۰۰ صفحه شامل اسناد، سخنرانی ها و نوشته های منتشر نشده

ادیتور ایرج فرزاد

قیمت پیش فروش ۲۰ پوند استرلینگ

برای پیش خرید به میزهای کتاب حزب مراجعه کنید یا مستقیماً با ما تماس بگیرید.

برنامه های

اول کودکان

بمناسبت هفته

منصور

حکمت



در بزرگداشت دستاوردهای یک زندگی پربار

منصور حکمت بر شانه‌های مارکس و لنین ایستاده است، اما قامت خود او به روشنی منتهود است. دولت در دوره‌های انقلابی را کنار دولت و انقلاب بگذارد، بحث رابطه احزاب، طبقات و جنبش‌های اجتماعی را کنار ایدئولوژی آلمانی فرار دهید و دنیا را بهتر، برنامه کمونیسم کارگری را با مانیفست مقایسه کنید متوجه قامت عظیم منصور حکمت میشوید.

قلب منصور حکمت از حرکت ایستاده اما منصور حکمت نمرده است. منصور حکمت با ایده‌هایش با آرمانش و با کمونیسم اش چهره تابناک جنبش برای انسانها و جنبش سوسیالیستی باقی خواهد ماند. زنده باد منصور حکمت

منصور حکمت
منتخب آثار

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-Kommunist Party of Iran - Hekmatist

ای-رفسنجانی با غرب برای باز خرید بقاء جمهوری اسلامی، به هر قیمت و از جمله به قیمت استحاله، آغاز میشود، اما روند و سرانجام این مصاف خارج از حضور دائم مصاف مردم ایران با جمهوری اسلامی و برای بزیر کشیدن آن قابل تصور نیست.

ما و مردم ایران، ما و کارگران ایران، ما و زنان و جوانان و معلمان و توده محرومان جامعه تضمین میکنیم که احتمال تحقق این ساخت و پاخت را به صفر میرسانیم؛ این رژیم کثیف را به نیروی قیام خود بزیر میکشیم و در هم میکوبیم. در گام اول باید مضحکه "انتخابات" را بر سر جمهوری اسلامی و رفسنجانی "نجاتبخش!" آن خراب کرد.

شانس بیشتری دارد! این بازی فراتر از مضحکه "انتخابات" است. هدف مشترک خامنه ای-رفسنجانی، دادن سیگنال به غرب برای معامله است. در کنار "پافشاری" بر غنی سازی اورانیوم و ادامه دخالت در صحنه سیاست عراق، بازگشت رفسنجانی حاوی پیام سران اصلی رژیم برای کنار آمدن با غرب به قیمت بقاء رژیمشان است.

تحقق این سناریو، اگر فاکتور مردم ایران و پتانسیل قیامشان علیه رژیم در میان نباشد، غیرممکن نیست. اما این اگر بزرگی است. هیچ محاسبه ای نمیتواند نیروی مردم ایران و خواست مبرمشان برای ساقط کردن حاکمیت اسلامی را خط بزند. با کاندیداتوری رفسنجانی مصاف خامنه

غرب فیصله دهد، شکست دو خرداد را رفو کند و لشکر پراکنده آن را دوباره زیر علم رژیم بکشاند، و در یک کلام رژیم را نجات دهد! رفسنجانی در سراسر عمر جمهوری اسلامی، همیشه از سران درجه اول آن بوده و از مرگ خمینی به بعد شخص دوم "نظام" بوده است. اعلام شرکت او در "انتخابات" یک پست درجه چندم و بی خاصیت رژیم، یک روز پس از اشاره خامنه ای، نشانه آنست که شخص اول و دوم رژیم، و خامت اوضاع را دیده اند و فهمیده اند. ضرورت روز ایجاب میکند که هم برای "انتخابات" و هم برای آتیه رژیمشان کار ویژه ای بکنند: جلو انداختن و جلو آمدن رفسنجانی جواب این ضرورت است. بلافاصله معلوم شد که منفورترین کاندید این مسخره بازی، از همه رقبا

بود، منادی گشایش سیاسی و فرهنگی بود، و غیره. دو دوره ریاستش عملاً در این جهت پیش رفت. جانشین او خاتمی با پرچم گشایش سیاسی جلو آمد و با آنکه ده برابر آن توهم پراکنیها بدرقه راهش شد به جز خریدن عمر برای جمهوری اسلامی، موفق به هیچ "تعدیل"ی نشد. امروز این مزخرفات در میان اپوزیسیون پرور رژیم و دولت های غربی هم خریدارانش را از دست داده است. با بازگشت رفسنجانی به پست شانزده سال قبلش، این دایره تماما بسته میشود.

سیاسی بیانیه رفسنجانی اینست که آمده است کشتی به لجن نشسته رژیمش را به آبهای "جامعه بین المللی" بیندازد، معضل اتمی را با

از صفحه ۱
ایران بعنوان جزئی ارگانیک از سرمایه داری جهانی با وجود جمهوری اسلامی ممکن نیست. حتی درآمد هنگفت نفت که اکثر کشورهای موفق به توسعه (بطور مثال در شرق آسیا) از آن محرومند

به داد حل استراتژیک معضل اقتصادی رژیم نرسیده و جز به درد "بقا" نخورده است. آن روزها در خیل اپوزیسیون جمهوری اسلامی و در سیاست دولت های غرب، توهم زیادی به "پروژه رفسنجانی" دامن زده شد: گویا از سیاستهای داخلی و بین المللی دوره خمینی فاصله میگرفت، گویا به ضرورت زمان و بعد از جنگ با عراق از اقتصاد دولنگرا جدا میشود، خواهان بهبود رابطه رژیم با غرب بود، "میانہ رو"

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!